

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی

۰۹ می ۲۰۱۹

آیا ایران و امریکا خود را برای جنگ آماده می‌کنند؟

آیا ایران و امریکا خود را برای جنگ آماده می‌کنند؟ سؤالی که این روزها زیاد شنیده می‌شود. پاسخ به این سؤال بدون شرح وضعیت موجود بین طرفین ممکن نیست.

روز سه‌شنبه ۷ مه، مرکز نیروهای مسلح امریکا (سنت‌کام) در منطقه، اعلام کرد «شواهد واضحی» دریافت کرده است که ایران آماده حمله احتمالی به نیروهای امریکائی مستقر در خاورمیانه است. امریکا ناگروه تهاجمی آبراهام لینکلن و بمب‌افکن‌ها B-52 را به حوزه عملکرد سنت‌کام (فرماندهی مرکزی امریکا) اعزام کرده است. جان بولتون مشاور امنیت ملی کاخ سفید که روز یکشنبه ۵ مه، از اعزام ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن به منطقه به‌عنوان یک پیام روشن و واضح به ایران خبر داد، گفته است امریکا در پی جنگ با ایران نیست ولی آماده پاسخ به هر حمله‌ای به منافع امریکا و متحدانش است.



امروز ۱۸ اردیبهشت - ۸ مه، شورای عالی امنیت ملی حکومت اسلامی خطاب به دیگر امضاءکنندگان برجام نوشت: «جمهوری اسلامی ایران در راستای صیانت از امنیت و منافع ملی مردم ایران، و در اعمال حقوق خود مندرج در بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام، از امروز ۱۸ اردیبهشت ۹۸ برخی اقدامات خود در توافق برجام را متوقف می‌کند.»

شیخ حسن روحانی رئیس جمهوری حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی نیز در سخنرانی امروز خود که به‌طور زنده از تلویزیون ایران پخش شد، چنین گفت: «از امروز فروش آب سنگین و اروانیوم غنی‌شده را متوقف می‌کنیم؛

این اعلام ما برای ۶۰ روز است؛ اگر ۵ کشور پای میز مذاکره آمدند و به منافعمان رسیدیم و مخصوصا به نفت و بانک دست یافتیم به نقطه اول باز می‌گردیم.»

روحانی در عین حال تاکید کرد که توافق اتمی با قدرت‌های جهان «پابرجاست»: «برجام هست و پابرجاست؛ اما آن روی سکه برجام را امروز نشان می‌دهیم. امروز کاهش اقدامات را اعلام کردیم و نه خروج از آن را.» به گفته روحانی، برجام «نیاز به جراحی داشت.»

حکومت اسلامی ایران در بیانیه رسمی خود، نه تنها پیشاپیش گروه پنج به علاوه یک، بلکه شورای امنیت سازمان ملل را نیز تهدید کرده است آمده است: پس از اقدام روز چهارشنبه، تهران «نسبت به هر اقدام غیرمسئولانه، از جمله ارجاع موضوع به شورای امنیت ملل متحد یا اعمال تحریم‌های بیش‌تر، عکس‌العمل قاطع و سریع نشان خواهد داد.»

همزمان با انتشار بیانیه رسمی شورای امنیت ملی ایران، صبح چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت، سفرای کشورهای عضو برجام شامل آلمان، انگلیس، چین، روسیه و فرانسه به وزارت امور خارجه دعوت شدند تا نامه حسن روحانی را از عباس عراقچی، معاون سیاسی وزارت خارجه، دریافت کنند.

وزیر خارجه حکومت اسلامی هم در نامه‌ای رسمی فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، را در جریان اقدام تازه ایران گذاشت.

به نظر می‌رسد دست‌کم یک هدف ایران از اقدام امروزش، فشار بر همین دریافت‌کنندگان نامه باشد، چرا که آن‌ها در بیانیه شورای امنیت ملی متهم شده‌اند که در یک سال گذشته «غیر از صدور بیانیه‌های سیاسی، هنوز هیچ سازوکار عملیاتی برای جبران تحریم‌های امریکا مستقر» نکرده‌اند.

مقامات اروپایی بارها گفته‌اند که مصمم هستند سازوکار مالی تجارت با ایران به نام «اینس‌تکس» را «راه‌اندازی» کنند و «کشورهای دخیل تعهد دارند تمام تلاش خود را برای افزایش هر چه بیش‌تر حمایت مالی از این کانال تجاری بکنند»، اما عملا راه به جایی نبرده‌اند.

«اینس‌تکس»، کوتاه‌شده عبارتی انگلیسی به معنی «ابزار حمایت از مبادلات تجاری»، نهادی است که آلمان و فرانسه و بریتانیا برای حفاظت مبادلات مالی و تجاری با ایران از آثار تحریم‌های امریکا راه‌اندازی کرده‌اند.

فرانسه اولین کشور اروپایی است که بلافاصله به بازگشت تحریم‌های ایران هشدار داد. وزیر دفاع فرانسه، روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت - ۸ مه، اعلام کرد که کشورش می‌خواهد توافق هسته‌ای با ایران را «زنده نگه دارد.» او هشدار داد که اگر ایران به تعهدات خود پای‌بند نماند، گزینه بعدی مکانیزمی است که به شدت بخشیدن تحریم‌ها علیه ایران خواهد انجامید.

به گفته خانم فلورانس پارلی، چیزی «بدتر» از خروج ایران از برجام نیست و فرانسه، آلمان و بریتانیا هر انچه برای حفظ این توافق دارند انجام می‌دهند.

نفت و بانک دو بخشی است که ایالات متحده در ماه‌های گذشته از طریق آن‌ها تلاش کرده است بر حکومت اسلامی فشار بیاورد، از طریق استراتژی‌ای که دولت امریکا آن را «فشار حداکثری» می‌نامد.

در ادامه همین خط‌مشی بود که دولت امریکا روز جمعه هفته گذشته با تاکید بر ادامه سیاست «فشار حداکثری بر حکومت اسلامی ایران» چند محدودیت جدید بر فعالیت‌های اتمی تهران وضع کرد و از بین پنج معافیت قبلی برای همکاری با تهران، به دو معافیت خاتومه داد: مبادله اورانیوم غنی‌شده با اورانیوم طبیعی (کیک زرد) بین ایران و دیگر کشورها و همچنین انتقال آب سنگین مازاد نیروگاه اراک به خارج از کشور.

روز ۷ مه، اعلام شده بود که مایک پمپئو، وزیر امور خارجه امریکا، در پی سفر غیرمنتظره خود به بغداد اعلام کرده که درباره امنیت نیروهای امریکائی در این کشور و وضعیت شبه‌نظامیان شیعه مورد حمایت ایران به‌طور جداگانه با عادل عبدالمهدی، نخست وزیر و برهم صالح، رئیس جمهوری عراق، گفتگو کرده است.

مایک پمپئو شبانه و تحت تدابیر امنیتی شدید به عراق سفر کرد. او پس از ترک عراق به خبرنگاران همراه خود گفت که هدف از این سفر مطلع کردن مقامات ارشد عراق از «جریان تهدیدات افزایش یافته است که ما دیده‌ایم».

وزیر امور خارجه امریکا درباره تهدیدات نظامی منتسب به حکومت ایران جزئیاتی بیان نکرد اما گفت واشنگتن درباره «حمله قریب الوقوع» نیروهای تحت امر ایران «اطلاعات مشخصی» داشته است.

در روزهای اخیر مقام‌های امریکائی خبر دادند که به خاطر دریافت اطلاعاتی در مورد تهدیدهای جدید از سوی ایران، موعد اعزام یک ناو هواپیمابر خود به خلیج فارس را جلو انداخته‌اند اما جزئیاتی در مورد نوع این تهدید اعلام نکرده بودند.

حال امروز چهارشنبه، شبکه خبری سی‌ان‌ان، از قول «چندین مقام امریکائی که به‌طور مستقیم در جریان این وضعیت هستند» می‌نویسد که گزارش‌هایی از جابه‌جائی موشک‌های بالیستیک کوتاه‌برد با قایق توسط ایران در خلیج فارس یکی از دلایل تصمیم امریکا برای تقویت نیروی نظامی‌اش در منطقه است.

این مقامات روز چهارشنبه به سی‌ان‌ان گفته‌اند که مشخص نیست قصد ایران رساندن این موشک‌ها به موضعی در خشکی است یا قرار است محل پرتاب آن‌ها از روی قایق باشد.

به گفته این مقام‌های امریکائی، به همین خاطر یافتن محل احتمالی پرتاب این موشک‌ها دشوار است و مقام‌های وزارت دفاع ایالات متحده اکنون بین خود در حال تبادل نظر برای ارسال سامانه‌های پدافند موشکی به منطقه هستند، «سامانه‌هایی نظیر موشک‌های پاتریوت».

امریکا چند ماه پیش موشک‌های پاتریوت خود را از خاورمیانه به ایالات متحده بازگرداند و مقام‌های امریکائی به سی‌ان‌ان می‌گویند که اگر جمهوری اسلامی از تهدید جدید خود «عقب‌نشینی» کند نیازی به استقرار دوباره این موشک‌ها در منطقه نخواهد بود.

هم‌اینک ناوگروهی به رهبری ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن زودتر از موعد مقرر خود راهی خلیج فارس شده و مقام‌های امریکائی همچنین از اعزام یک نیروی ویژه از بمبافکن‌های سنگین بی‌به منطقه خبر می‌دهند.

برخی منابع تعداد این بمبافکن‌ها را حدود شش فروند ذکر کرده‌اند و روزنامه نیویورکتایمز نیز روز یکشنبه ۵ مه، در این‌باره نوشت که ماه گذشته، یک یگان ویژه بمبافکن امریکا، شامل شش فروند بی-۵۲ و ۴۵۰ پرسنل نظامی پایگاه «بارکس‌دیل» لونی‌زیانا، پس از انجام تمریناتی در بریتانیا به ایالات متحده بازگشتند و هنوز مشخص نیست که آیا همین یگان به خاورمیانه اعزام می‌شود یا نه.

چندین مقام امریکائی «آگاه از وضعیت» به سی‌ان‌ان گفته‌اند که «امید می‌رود» این میزان تقویت نیرو به عنوان «یک پیام بازدارنده» برای ایران کافی باشد و مسؤولان حکومت اسلامی از این تهدید جدید دست بکشند.

وزارت دفاع امریکا می‌گوید اقدامات تازه ایران می‌تواند ارتشیان امریکائی و نیروهای همپیمان آنان را در عربستان سعودی، بحرین و قطر با تهدید مواجه کند.

مقام‌های امریکائی در مورد استفاده ایران از گروه‌های نیابتی خود در یمن برای ناامن کردن تنگه باب‌المندب نیز ابراز نگرانی کرده‌اند.

مایک پمپئو، همچنین روز دوشنبه ۶ ماه مه ۲۰۱۹، پیش از آغاز سفرش به فنلاند در جمع خبرنگاران به سؤالات پیرامون اقدام امریکا برای استقرار ناو هواپیمابر و هواپیماهای بمبافکن در خاورمیانه گفت، ناو هواپیمابر امریکا پس از این که ایران دست به تحرکاتی در منطقه زد به منطقه خاورمیانه اعزام شد.

وزیر خارجه امریکا هشدار داد تهران را در برابر هر گونه اقدام علیه منافع ما به شدت مجازات خواهیم کرد. پمپئو افزود: امریکا مدتی است برای این اقدام اعزام ناو هواپیمابر برنامه‌ریزی می‌کند. او افزود: ما شاهد اقدامات تحریک‌کننده از سوی حکومت ایران بوده‌ایم و ما آن‌ها را برای هرگونه حمله به منافع امریکا مسؤول خواهیم دانست. آن‌ها دقیقاً می‌دانند که منظور ما از تهدیداتی که در سراسر جهان متوجه منافع امریکا کرده‌اند، چیست. وزیر امور خارجه امریکا گفت: اگر این اقدامات (حمله مستقیم به منافع امریکا) روی دهد یا اگر آن‌ها این کار را از طریق نیروهای نیابتی، همچون حزب‌الله لبنان یا حوثی‌ها انجام دهند، ما به‌طور مستقیم سران حکومت ایران را مسؤول آن می‌دانیم.

پیش از این محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در سفر اخیرش به نیویورک در دیدار با مجموعه‌ای از خبرنگاران گفته بود تهران به تحریم‌های امریکا که باعث بحرانی شده اقتصاد ایران شده است، واکنش نشان خواهد داد.

ظریف هشدار داده بود که این شرایط، اوضاع را به سمت پرتگاه سوق می‌دهد. او تاکید کرد که ایران اجازه نخواهد داد خود لبه پرتگاه قرار گیرد یا بدون هیچ درگیری، سقوط کند.

ظریف گفت که تحریم‌های امریکا علیه ایران و بحرانی شدن اوضاع به دلیل این تحریم‌ها، «اعلام جنگ» است و «ایران واکنش نشان خواهد داد». او به‌طور ضمنی به استفاده ایران از گروه‌های وابسته به خود برای ضربه زدن به منافع امریکا و کشورهای عربی اشاره کرد.

ظریف، همچنین در گفت‌وگو با اینیپندنت گفته است وقوع درگیری نظامی بین ایران و امریکا در آینده نزدیک را محتمل نمی‌داند، اما می‌تواند حوادثی روی دهد که به وقوع درگیری دامن بزنند.

تاکنون هیچ‌یک از مقامات ارشد سیاسی رسمی و فرماندهان نظامی در واشینگتن و تهران از این‌که یکی از دو کشور قصد جنگ با کشور دیگر را داشته باشد سخن نگفته‌اند. اما نشانه‌شناسی جنگ، مواضع سران و مقامات دو کشور، وضعیت کنونی بین دو کشور را چگونه توضیح می‌دهد؟ جنگ ادامه سیاست است و جنگ‌ها بین کشورهای فرضی پیش از شروع نشانه‌هایی دارند که می‌شود وضعیت کنونی ایران و امریکا را نیز بر اساس آن بررسی و ارزیابی کرد.

افزایش جنگ لفظی بین مقامات سیاسی و فرماندهان نظامی دو کشور و جا به جایی نیروهای نظامی و آماده‌باش آن‌ها، نشانه‌های بارز احتمال وقوع جنگ هستند.

در حال حاضر امریکا، نه تنها نیروهای خود در منطقه را به حال آماده‌باش درآورده، بلکه ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن را به منطقه فرستاده است.

ایران غیر از این به روسیه متوسل شده و روی آن حساب عظیم باز کرده است در عین حال، نیروهای خارجی وابسته به خود را از کشورهای منطقه به ایران آورده است.

جنگ روانی اخیر بین حاکمیت امریکا و ایران که پس از تروریست نامیدن سپاه پاسداران توسط ترامپ، تشدید شده است و متقابلاً حکومت اسلامی ایران، نیروی‌های امریکائی در منطقه موسوم «فرماندهی مرکزی

امریکا» (سنت‌کام) را تروریست نامیده است. اساس این جنگ روانی، کمترین ربطی به منافع مردم دو کشور امریکا و ایران ندارد. دو حکومت ارتجاعی سرمایه‌داری به همدیگر چنگ و دندان نشان می‌دهند.

شواهد و قرائن تاکتونی نشان می‌دهد که مقامات ارشد سیاسی در امریکا و ایران در هفته‌های گذشته با لحن صریح‌تر و محکم‌تری نسبت به یکدیگر موضع گرفته‌اند. این مقامات در امریکا دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور، جان بولتون به‌عنوان مشاور امنیت ملی، مایک پومپئو وزیر امور خارجه و نیز برایان هوک نماینده ویژه امریکا در امور ایران اظهار نظرهای بیش‌تری درباره ایران داشته‌اند و رئیس سی.آی.ای و وزیر دفاع مواضع کم‌تری اتخاذ کرده‌اند.

در ایران نیز آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر، حسن روحانی رئیس‌جمهور، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه، و علی شمخانی دبیر شورای امنیت ملی، هستند.

در سطح نظامی نیز فرماندهان رده بالای دو کشور، از آمادگی برای مقابله با هر حمله و تهدیدی از طرف مقابل سخن گفته‌اند. اگرچه تعداد فرماندهان ایرانی که در این موضوع اظهار نظر کرده‌اند به‌ویژه در سپاه پاسداران بیش‌تر از تعداد فرماندهان امریکائی است اما با وجود آن‌که تنش لفظی بین مقامات و فرماندهان ارشد دو کشور بیش‌تر از گذشته شده ولی ایران و امریکا در دست‌کم سه دهه گذشته همچنین تنش‌های لفظی را به کرات با یکدیگر تجربه کرده‌اند، ولی وارد جنگ با یکدیگر نشده‌اند.

به‌علاوه مهم‌تر از همه، هیچ‌یک از مقامات سیاسی و نظامیان ارشد دو کشور در شرایط کنونی نگفته‌اند که قصد دارند آغازکننده جنگ باشند. آن‌ها به‌طور مداوم از آمادگی برای پاسخ به حمله طرف مقابل در صورت لزوم سخن می‌گویند.

در مورد پیمان‌ها و توافق‌ها، مایک پومپئو وزیر امور خارجه امریکا، در مهر ماه ۱۳۹۷ اعلام کرده بود که این کشور از پیمان مودت ایران و ایالات متحده خارج می‌شود. قبل از آن هم در اردیبهشت ۱۳۹۷، امریکا از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد و خروج امریکا از این دو پیمان و توافق، گرچه وضعیت موجود بین ایران و امریکا را پیچیده‌تر از آن است که بتوان به یک تحلیل درستی دست یافت، ولی هیچ‌یک از این نشانه‌هایی که در بالا اشاره شد هنوز به‌طور مستقیم نشانه جنگ بین دو کشور نیست.

خروج امریکا از توافق هسته‌ای و پیمان ۱۹۵۵ نیز به‌عنوان جزئی از سیاست رسمی فشار حداکثری برای تغییر رفتار حکومت اسلامی ایران اعلام شده است. به‌عبارت دیگر، با وجود تنش‌زا بودن روابط کنونی ایران و امریکا، دولت ترامپ از پیمان‌هایی که به ادعای او، به نفع منافع ملی امریکا تشخیص نمی‌دهد، محدود به روابط با ایران نیست و در موارد دیگر نیز وجوا داشت بنابر این، باز هم این وضعیت بیانگر جنگ‌طلبی نیست.

از سوی دیگر، گفته می‌شود امریکا اطلاعاتی در باره نقشه‌های ایران برای حمله به نیروهای امریکائی در تنگه باب‌المندب و خلیج فارس را دریافت کرده است.

به گزارش اسپوتنیک به نقل از روزنامه «وال استریت ژورنال»، تهران گویا قصد دارد به نیروهای امریکائی در تنگه «باب‌المندب» و خلیج فارس حمله کند.

در مقاله منتشره در روزنامه نام‌برده آمده است که واشنگتن با مطلع شدن از قصد ایران برای حمله به این تنگه، ناوگروه «آبراهام لینکلن» و بمب‌افکن‌های خود را به آن‌جا اعزام می‌کند. به‌گفته منابع این نشریه، نظامیان امریکائی در خاورمیانه از دولت دونالد ترامپ درخواست کردند نیروهای اضافی برای «بازداشتن از تجاوز احتمالی» به آن منطقه اعزام شود. نظامیان گویا به دلیل اخبار اطلاعاتی که آخر هفته گذشته دریافت کردند نگران شده بودند.

اطلاعات دریافتی گویا گواه آن است که «ایران قصد دارد به عنوان هدف، نیروهای امریکائی در عراق و سوریه را مورد حمله قرار بدهد.» تهران گویا قصد دارد «حمله به تنگه» «باب المندب» در نزدیکی یمن را با کمک نیروهای تحت کنترل خود سازماندهی کند و همچنین ممکن است با کمک پهپادهای مسلح به حملاتی در خلیج فارس دست بزنند.

به نوشته روزنامه مذکور، هنوز مشخص نیست که آیا نظامیان ایرانی واقعا قصد چنین کاری را دارند یا خیر. احتمالا موضوع نقشه‌های فوری تهران است که در صورت آغاز عملیات نظامی بزرگ مقیاس بین ایران و امریکا اجرا خواهند شد. به گفته منبع نشریه نامبرده، اطلاعات دریافتی «در دولت و فرماندهی مرکزی نیروهای مسلح امریکا که خاورمیانه و شمال آفریقا از نقاط تحت مسؤولیت عملیاتی آن است، ایجاد هراس و نگرانی کرد.» افزون بر آن، حضور ناوهای امریکائی در نزدیکی سواحل ایران «نه استثنا بلکه یک اصل» شده است. ناوگروه «ابراهام لینکلن» نیز بسوی شبه جزیره عربی اعزام شده بود. جان بولتون مشاور رئیس جمهور در امور امنیت ملی امریکا مدتی قبل، از قصد امریکا برای اعزام ناوگروه «آبراهام لینکلن» و بمب افکن ها به خلیج فارس سخن گفت. به گفته او، بدین ترتیب واشنگتن «علامت مشخص و روشنی به ایران می دهد که در صورت هرگونه تجاوز به منافع ایالات متحده و یا متحدان آن کشور با پاسخ نظامی بیرحمانه‌ای روبرو خواهد شد.» کیوان خسروی سخنگوی شورای عالی امنیت ملی حکومت اسلامی ایران، به نوبه خود اعلام کرده که تهران بعید می‌داند امریکا ناوگروه را برای امتحان امکانات نیروهای مسلح ایران به نزدیکی سواحل ایران اعزام می‌کند.



یک مسأله بسیار حائز اهمیت دیگر در روابط حکومت اسلامی با امریکا و سایر کشورها جهان و منطقه بستن تنگه هرمز است. حکومت اسلامی ایران، بارها ادعا کرده است که اگر ایران نتواند نفت خود را صادر کند تنگه هرمز را خواهد بست. در خلیج فارس نیز ۳۱ سال از آخرین درگیری بین نیروهای دریائی ایران و امریکا در سال ۱۳۶۷ در پایان جنگ ایران و عراق می‌گذرد. در ۳۱ سال گذشته که حدود ۳۷۰ ماه و یا بیش از ۱۱ هزار روز می‌شود، امریکا و ایران بزرگترین نیروهای نظامی را در دو سوی خلیج فارس مستقر کرده‌اند.

در یکسو نیروی دریائی سپاه پاسداران و پنج منطقه دریائی آن در بندرعباس، بوشهر، ماهشهر، عسلویه و بندر لنگه قرار دارد که راه‌های تجاری ورود و خروج به خلیج فارس از منطقه جزایر ابوموسی و تنب‌های بزرگ و کوچک را کنترل می‌کند. در طرف مقابل ناوگان پنجم نیروی دریائی امریکا در بحرین مستقر است که در اغلب اوقات شامل یک ناو هواپیمابر و گروه رزمی همراه آن و ده‌ها شناور نظامی بزرگ و کوچک دیگر است. علاوه بر این مقر فرماندهی سنتکام (نیروهای مرکزی امریکا) هم در قطر است که محدوده وسیعی شامل خلیج فارس، دریای عمان، افغانستان و آسیای مرکزی و بخشی از شمال آفریقا را فرماندهی می‌کند. با وجود این تمرکز نیروی گسترده دو طرف در خلیج فارس، آن‌ها در ۳۱ سال گذشته درگیری نظامی با یکدیگر نداشته‌اند.

هر چند پیش از ریاست جمهوری دونالد ترامپ، برخی تماس‌های تنش‌آمیز بین قایق‌های تندرو سپاه و شناورهای آمریکایی گزارش می‌شد، ولی هیچ‌یک از آن‌ها به درگیری مستقیم و مستمر بین طرفین تبدیل نشد. بعد از شروع ریاست جمهوری دونالد ترامپ و اخطار او در مورد برخورد شدیدتر با چنین مواردی، گزارش جدیدی از تنش بین شناورهای دو طرف گزارش نشده است.

گاهی افزایش تهدید؛ هم نشانه آغاز جنگ هم نشانه تلاش برای جلوگیری از جنگ است. بنابراین، افزایش تهدید مقامات سیاسی و به‌ویژه نظامی دو کشور و صف‌آرایی نظامی آن‌ها در مقابل هم، به همان اندازه که می‌تواند نشان‌گر آمادگی طرفین برای ورود به درگیری نظامی و جنگ باشد، از طرف دیگر می‌تواند نشان‌گر حداکثر آمادگی نظامی به طرف مقابل برای منصرف کردن او از ورود به جنگ باشد.

مجموعه تحلیل‌ها و تفسیرها و فاکتورهای تاکتونی در رابطه با مواضع سران و مقامات سیاسی و نظامی آمریکا و ایران، نمایش حداکثری آن‌ها برای ورود به یک جنگ تمام عیار نیست. به‌خصوص حکومت اسلامی ایران می‌داند که اگر چنین جنگی در بگیرد و طرفین با تمام قدرت وارد جنگ شوند ایران از هر نظر بازنده است. هر چند که شاید کسانی در درون حکومت اسلامی باشند که هنوز مانند سال ۵۹، جنگ را نعمت الهی بدانند. خمینی در آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۵۹ گفته بود که جنگ نعمت الهی است. خمینی بر این تصور بود که در سایه جنگ هم پان اسلام‌یسم خود را به کشورهای منطقه صادر خواهد کرد و هم مخالفین حکومت خود در داخل کشور را شدیداً سرکوب خواهد نمود. در حالی که ایران امروز با ایران سال ۵۹، از هر نظر متفاوت است. امروز حکومت اسلامی یک حکومت سرمایه‌داری ناخواسته در میان دول سرمایه‌داری است و در داخل ایران نیز اکثریت مردم ایران بر خلاف سال‌های اوایل انقلاب ۵۷، برای سرنوشتی حکومت اسلامی لحظه‌شماری می‌کنند.

از ص ۱۱

اما با این وجود همه شواهد و قرائن، باز هم نباید به‌طور کلی احتمال آغاز جنگ را از نظر دور نگه داشت. شاید طرفین از درگیری احتمالی دریائی گریزی نداشته باشند اما هنوز علایمی از آغاز حملات هوائی و موشکی و جنگ زمینی دیده نمی‌شود. در وضعیت کنونی آن‌چه در سطح نیروهای نظامی طرفین در خلیج فارس دیده می‌شود نوعی رصد و زیر نظر داشتن مداوم حریف و نشان دادن عزم و اراده و قدرت برای پاسخ به حمله طرف مقابل است. احتمال دارد از سرگیری فعالیت هسته‌ای حکومت اسلامی ایران و اقدام یک‌جانبه این حکومت برای جلوگیری از تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز طبق قوانین بین‌المللی، بهانه جنگ برای کشورهای تلقی خواهد شد که از تنگه هرمز استفاده می‌کنند.

هفته گذشته دولت آمریکا اعلام کرد که با هدف قطع کامل صادرات نفت ایران معافیت چندین کشور از تحریم‌های نفتی علیه آن کشور را تمدید نخواهد کرد.

در واکنش به این تصمیم، علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریائی سپاه پاسداران گفت که اگر مانع استفاده ایران از تنگه هرمز شوند آن را مسدود می‌کنیم و در صورت بروز هر تهدیدی در حفاظت و دفاع از آبراه ایران کوچک‌ترین تردیدی نخواهیم کرد.

البته این اولین بار نیست که ایران با هدف کسب نوعی امتیاز مسدود کردن تنگه هرمز را مطرح می‌کند. سال گذشته نیز حسن روحانی، گفته بود اگر آمریکا به اقدامات خود برای قطع صادرات نفت ایران ادامه دهد ایران اطمینان حاصل خواهد کرد که هیچ کشور دیگری نتواند نفت خود را صادر کند. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی نیز همین تهدید روحانی را تأیید کرده بود.

و در واکنش به آن‌ها، دونالد ترامپ، به حکومت اسلامی ایران، این چنین هشدار داده بود: «هرگز امریکا را تهدید نکنید چون در غیر این صورت چنان ضربه‌ای خواهید خورد که در طول تاریخ کمتر کسی متحمل آن شده است.»

تنگه هرمز یکی از آبراه‌های مهم بین‌المللی است که حدود یک‌پنجم نفت خام جهان از آن عبور می‌کند. بنابراین، به دلیل این که بسته شدن تنگه هرمز در بازار انرژی جهان تلاطم بیش‌تری ایجاد خواهد کرد احتمال درگیری بین نیروی دریای امریکا و ایران را افزایش می‌دهد.

در عین حال، حکومت اسلامی ایران مدعی مالکیت تمامی تنگه هرمز است ولی بخش اعظم خطوط کشتیرانی در حریم دریائی عمان است.

ماده ۳۷ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریائی عبور از آبراه‌هایی را «که مسیر کشتیرانی بین‌المللی بین یک حریم دریائی یا منطقه اقتصادی مشخص با سایر آب‌های بین‌المللی و مناطق اقتصادی هستند»، تضمین کرده است. این مقررات به‌طور مشخص در مورد تنگه هرمز صدق می‌کند. با وجود آن‌که دولت امریکا این کنوانسیون را امضاء نکرده مقررات مندرج در آن را به‌عنوان بخشی از قوانین بین‌المللی پذیرفته است. بنابراین، اقدام یک‌جانبه حکومت اسلامی ایران برای جلوگیری از تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز طبق قوانین بین‌المللی، بهانه جنگ برای کشورهای تلقی خواهد شد که از تنگه هرمز استفاده می‌کنند و تمام کشورهای دیگری که حامی اجرای قوانین بین‌المللی در مورد این تنگه هستند.

اما ایران روی مواضع روسیه علیه امریکا، حساب ویژه باز کرده است؛ حسابی که احتمال دارد هر آن بسته شود و سر حکومت اسلامی بی‌کلاه بماند. چرا که بعید به‌نظر می‌رسد که کشورهای نظیر روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل متحد، تصویب قطع‌نامه در مورد استفاده از قدرت نظامی برای گشودن تنگه هرمز را وتو کنند.

مهم‌تر از همه، اگر جنگی در تنگه هرمز در بگیرد بی‌گمان نقشه جنگی نیروی دریائی امریکا و کشورهای متحد آن، تنها هجوم به تنگه هرمز نخواهد بود، در آن صورت بمب‌افکن‌ها، موشک‌ها و... امریکائی هدف‌های زیادی را در ایران بمباران خواهند کرد. به‌ویژه زیرساخت‌های ارتباطی، مراکز تدارکاتی، پل‌ها، مراکز اقتصادی مهم، تاسیسات شناخته شده و پنهان هسته‌ای، کانون‌ها و شبکه فرماندهی و فرماندهان ارشد نیروهای مسلح بمباران خواهند شد.

بی‌تردید بستن تنگه هرمز، علاوه بر این که یک جنگ خانمانسوزی به مردم ایران تحمیل خواهد کرد و در عین حال، باعث تشدید انزوای ایران در جامعه بین‌المللی، جلوگیری از مذاکره خواهد شد که در آن مردم ایران، بهای گزافی خواهد پرداخت. عامل اصلی چنین جنگی نیز حکومت اسلامی ایران است!

دریادار علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریائی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دوشنبه دوم اردیبهشت، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی عربی‌زبان العالم گفت: «تنگه هرمز برپایه قوانین بین‌المللی، گذرگاه دریائی است و چنانچه از به‌کارگیری آن منع شویم، آن را خواهیم بست.»

این تهدید فرمانده نیروی دریائی سپاه پس از آن بیان می‌شود که امریکا کلیت سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران را در ردیف «گروه‌های تروریستی» قرار داده؛ اقدامی که می‌تواند باعث مقابله احتمالی نیروهای نظامی امریکائی حاضر در خلیج فارس با نیروهای سپاه پاسداران شود. این نخستین بار است که هیأت حاکمه امریکا، یک سازمان نظامی رسمی کشوری دیگر را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار می‌دهد.

ششم اسفند گذشته هم دریادار تنگسیری در مصاحبه با شبکه العالم، تهدید کرده بود در صورت به صفر رسیدن صادرات نفت ایران، تنگه هرمز بسته خواهد شد: «تا زمانی که نفت ما از تنگه هرمز خارج می شود و منعی برای خروج و ورود کشتی های ما صورت نگیرد این تحقق پیدا نمی کند.»

مقام های امریکائی تا کنون بارها تاکید کرده اند که هدف شان رساندن صادرات نفت ایران به صفر است. فرانک فانون، معاون وزیر امور خارجه امریکا در امور انرژی، چهارشنبه ۲۸ فروردین بار دیگر تاکید کرده بود که «هدف ما، متوقف کردن کامل صادرات (انرژی) ایران در سریع ترین زمان ممکن است.»

اما با این وجود، تاکنون هیچ یک از طرفین، نشانه ای از این که بخواهند شروع کننده جنگ باشند از خود نشان نداده اند. بنابراین با وجود گذشت حدود یک ماه از تروریستی خوانده شدن سپاه پاسداران از سوی امریکا، و اقدامات متقابل حکومت اسلامی ایران در تروریستی نامیدن سنت کام، طرفین با وجود حضور دوجانبه و تجمع نیرو و جنگ افزار هایشان در خلیج فارس، هنوز حتی درگیری با یکدیگر نداشته اند.

یکی از تحرک های نظامی حکومت اسلامی ایران را می توان در جابه جایی نیروهای خارجی وابسته به خود دید. حکومت اسلامی به بهانه سیل، بخش هایی از سپاه قدس، لشکر فاطمیون، زینبیون، حزب الله لبنان را از سوریه و حشد الشعبی را از عراق وارد ایران کرده و به فرماندهی قاسم سلیمانی، در جنوب ایران مستقر کرده است تا این نیروهای در سرکوب اعتصاب ها و اعتراض های کارگری و مردمی شرکت کنند و هم در صورت حمله احتمالی امریکا به ایران، در کنار سپاه پاسداران قرار گیرند.

در چنین موقعیتی، خبرگزاری رویترز با انتشار گزارشی به نقل از یک مسئول اروپائی آورده است: «عدم شفافیت در سیستم مالی ایران به موضوع مشکلی اساسی است که همکاری با اتحادیه اروپا را دچار مشکل خواهد کرد.» منبع یاد شده تصریح کرده است که انطباق اینستکس با قوانین گروه اقدام مالی به عنوان یک پیش شرط مطرح نشده اما بسیار روشن است که تلاش طرف ایرانی برای هرچه شفافتر کردن اقتصاد این کشور به اجرائی شدن این ساز و کار کمک خواهد کرد. او در ادامه تاکید کرد که ایران در این زمینه تاکنون قدم های مناسبی برنداشته است.

این سخنان در حالی مطرح می شود که محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در گفتگو با خبرگزاری روسی «ریانووستی» مدعی شده است که کشورش در آستانه امضای توافقی برای فروش نفت به اتحادیه اروپا است که به موجب آن معامله نفتی بدون در نظر گرفتن تحریم های امریکا انجام خواهد شد.

سیکال ماندلکر، معاون وزارت خزانهداری ایالات متحده در امور مقابله با تروریسم و اطلاعات مالی در این خصوص گفته است که پای بندی به قوانین گروه اقدام مالی برای طرف ایرانی کانال تجاری اینستکس بسیار دشوار به نظر می رسد زیرا ایران کشوری است که بخش مهمی از اقتصاد آن غیر شفاف و مرتبط با نهادهای نظیر سپاه پاسداران انقلاب است که تحت تحریم های امریکا قرار دارند.

ماندلکر که از او به عنوان یکی از اصلی ترین طراحان و مسئولان اجرای مجازات های امریکا بر ضد ایران نام برده می شود در ادامه می افزاید: «سؤال من این است که چه طور این امر ممکن است ... آن هم با کشوری نظیر ایران که سپاه پاسداران نقش بسیار بزرگی در اقتصاد دارد اما این نقش به اشکال و وجوه مختلف پنهان شده است.» در چنین شرایطی، ایالات متحده امریکا روز سه شنبه ۷ مه، اعلام کرد بسیار غیرمحمتمل است که قدرت های اروپائی بتوانند در اجرای سازو کار جدید برای تجارت با ایران به گونه ای عمل کنند که از پول شویی و یا تامین مالی تروریسم جلوگیری شود و همین مسأله چشم اندازی را برای اعمال تحریم های تازه امریکا باز می کند.

فرانسه، بریتانیا و آلمان با ثبت و راه اندازی ساز و کاری ویژه موسوم به اینستکس در صدد حمایت از اقتصاد ایران برآمده‌اند تا از این راه ضمن تلاش برای حفظ برجام بخشی از معاملات تجاری را که مشمول تحریم‌های امریکا هستند مورد حمایت قرار دهند.

سه کشور عضو اتحادیه اروپا در واقع با توسل به کانال مالی در صدد متقاعد کردن ایران به پای‌بندی به تعهدات قید شده در توافق‌نامه هسته‌ای هستند و در ازای آن به تهران کمک می‌کنند تا از این طریق به نوعی تحریم‌های تجاری اعمال شده از سوی واشنگتن را دور بزنند.

کشورهای یاد شده در عین حال تاکید دارند که اینستکس پای‌بند به قوانین مشروع مالی خواهد بود که از سوی گروه اقدام مالی در پاریس تدوین و تهیه شده است؛ در حالی که ایران هنوز لوایح مرتبط با افای‌تی‌اف را که بخشی از این قوانین به شمار می‌روند به صورت کامل تصویب و اجرایی نکرده است.

در چنین شرایط بغرنجی، یک سال پس از خروج یک جانبه دولت امریکا از توافق اتمی با ایران، اقتصاد این کشور، شدیداً به تنگی نفس افتاده است. به گفته کارشناسان وضعیت اقتصادی ایران بیش از این نیز رو به وخامت خواهد گذاشت.

به گزارش صندوق بین‌المللی پول تولید ناخالص ملی ایران در سال جاری میلادی بیش از ۶ درصد کاهش خواهد یافت، در حالی که این کاهش در سال گذشته میلادی ۳/۹ درصد بود.

همین منبع می‌افزاید که بحران جاری اقتصادی ایران بدتر از حتماً رکود اقتصادی این کشور در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۲ در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه‌های اتمی و موشکی ایران خواهد بود.

افزایش قیمت‌ها در ایران بیش از همه شامل مواد غذایی شده که از بهار سال گذشته تاکنون ۷۰ درصد رشد یافته و تا اواسط تابستان ۲۰ درصد دیگر نیز افزایش خواهد یافت. برخی اقلام مهم مواد غذایی به ویژه گوشت کمیاب شده‌اند. خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران در گزارشی نوشت که تنها طی سه ماه گذشته، قیمت شکر ۳۰۰ درصد افزایش داشته است. همین منبع افزوده است که «پس از ارز، طلا، سکه، مسکن، خودرو، کاغذ، مواد پروتئینی، میوه و پوشاک، حالا دومینوی گرانی‌ها به مواد غذایی رسیده است.» تنها در یکی در چند روز گذشته، قیمت‌های ماکارونی و کنسرو ماهی بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد افزایش یافته‌اند.

حدود یک سال پیش، رئیس جمهوری امریکا در هشتم ماه مه ۲۰۱۸ به‌طور یک‌جانبه از توافق اتمی با ایران خارج شد و کلیه تحریم‌های پیشین واشنگتن را علیه ایران از نو فعال ساخت. در ۲۱ ماه مه همان سال، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه امریکا، دوازده شرط برای پایان دادن به این تحریم‌ها وضع کرد. دولت امریکا به‌ویژه خواستار توقف برنامه‌های اتمی و تولید موشک‌های بالستیک حکومت اسلامی و همچنین توقف اقدام‌های بی‌ثبات‌کننده تهران در خاورمیانه شد. وزیر امور خارجه امریکا هشدار داد که در غیر این صورت حکومت اسلامی ایران «با سخت‌ترین مجازات‌های تاریخ روبه‌رو خواهد شد.»

تا آن‌جا که به حکومت اسلامی ایران بر می‌گردد نه تنها سپاه پاسداران آن، بلکه کلیت این حکومت مافیائی و تروریستی است. چهل سال است نیروهای چپ و آزادی‌خواه ایران فریاد می‌زنند سپاه پاسداران ترویست است؛ حکومت اسلامی ایران و همه سران و مقامات آن تروریست و آدمکش هستند بنابراین، ما خواهان آن بودیم و هستیم هر کشوری نمایندگان حکومت اسلامی پا گذاشتند دستگیر شده و به دست دادگاه‌های بی‌طرف بین‌المللی سپرده شوند تا به دلیل جنایت علیه بشریت محاکمه گردند؛ به این حکومت دستگاه‌های سمعی و بصری جاسوسی، پلیسی و سلاح فروخته نشود و...

ما نیروهای آزادی‌خواه، برابری‌طلب، سوسیالیست، کمونیست، آنارشیزست، فمینیست، سندیکالیست، شورائی، فعال حقوق کودک، محیط زیست، آزادی زبان‌های مادری و...، شدیداً مخالف محاصره اقتصادی ایران و هر کشور دیگری هستیم. چرا که محاصره اقتصادی تأثیر چندانی بر حاکمیت نداشته و برعکس مردم محروم و مزدبگیران را خانه‌خراب می‌کند و به خاک سیاه می‌نشانند. اما این که سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، بسیج و نیروهای ضدمردمی حکومت اسلامی ایران توسط امریکا، اتحادیه اروپا و غیره تروریست نامیده می‌شود نه تنها نباید ناراحت شد، بلکه بر عکس، باید خوشحال شد.

در این میان جریاناتی مانند جریان رضا پهلوی، نهضت آزادی، جمهوری‌خواهان و غیره ناراحتند که سپاه پاسداران حکومت اسلامی تروریست نامیده شده، چندان غیرطبیعی نیست. چرا که این نیروها برای به قدرت رسیدن چشم‌شان به هر طرف می‌چرخد و روزی به اصلاح‌طلبان حکومت اسلامی، روز دیگر به انتخابات آزادی و روز سوم نیز رو به امریکا و یا روسیه، چین و ... بچرخد. یا مجاهدین خلق که از تروریست نامیدن سپاه از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجند. آن‌ها نه پرنسیب سیاسی و نه حتی اخلاقی دارند کافی‌ست که دولتی آن‌ها را تحویل بگیرد تا با کله به دامن آن دولت سقوط آزاد کنند. کافی‌ست چند صفحه از کارنامه چهل ساله این نیروها را ورق بزنید تا به سادگی متوجه شوید آن‌چه که در بالا بدان‌ها اشاره شد، اغراق نیست.

از سوی دیگر، گرچه خطر جنگ را نباید منتفی بدانیم اما این خطر، نباید ما را یک قدم از سرنگونی کلیت حکومت جهل و جنایت اسلامی دور کند. وظیفه کنونی ما تقویت جنبش کارگری، جنبش زنان، جنگ جوانان و دانشجویان، جنبش محیط زیست، جنبش روشنفکری، جنبش مردم تحت ستم سراسر ایران، سراسری کردن اعتصاب‌ها و اعتراض‌های موجود و راه انداختن یک فضائی انقلابی در ایران است.

در این راستا، سیاست‌ها و اهداف هر نیروئی به‌سوی امریکا، عربستان، اسرائیل یا روسیه و چین و نهایت جناح‌های حکومت اسلامی متمایل شود جائی در این جنبش‌ها و مبارزه مستقل شهروندان آزاده جامعه ایران در جهت سرنگونی حکومت اسلامی ندارد. به عبارت دیگر، اگر جنگی بین حکومت اسلامی و امریکا در بگیرد هیچ نیروی آزادی‌خواه و برابری‌طلب و سرنگونی‌طلب، نباید در جبهه این دو جبهه این و یا آن یکی قرار بگیرد. جنگ ادامه سیاست است و نتیجه آن نیز جدا از سیاست امروز این‌ها نیست.

نهایتاً جدا از همه تهدیدهایی که در کمین جامعه ایران نشسته‌اند حکومت اسلامی هیچ کارت برنده‌ای در دست ندارد و بازنده است. اما تا آن‌جا که مستقیماً به اکثریت شهروندان جامعه ایران مربوط است چنین تهدیداتی نمی‌تواند امر سرنگونی حکومت اسلامی ایران را از دستور کار آن‌ها خارج سازد. اگر جنگی میان امریکا و ایران آغاز شود این شهروندان وارد جبهه جنگ هیچ‌کدام از این دولت‌های هار سرمایه‌داری جنگ‌طلب و ویران‌گر نخواهند شد. چرا که جنگ آن‌ها جنگ ما نیست. اما جنگ و مبارزه مستقل مان را همچنان بر علیه حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی با هدف سرنگونی کلیت آن و برپائی یک جامعه آزاد، برابر، عالانه، مرفه و صلح‌دوست تشدید خواهیم کرد!

به این ترتیب، جنگ ما با حکومت جهل و جنایت اسلامی ایران، چهار دهه قدمت دارد و در این چهل سال، با تمام اشکالات و ایرادات و کمبودها، اما همواره تلاش کرده‌ایم در جهت سرنگونی کلیت این حکومت، یک افکار عمومی قوی بسازیم تا با سرنگونی آن، بلافاصله پایه‌های جامعه‌ای آزاد، برابر، انسانی و بالنده‌ای را پیریزی کنیم.

چهارشنبه هجدهم اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۸ - هشتم می ۲۰۱۹